

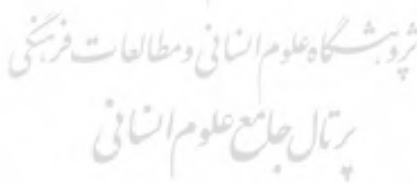
اقتصاد سیاسی فساد در جمهوری اسلامی ایران

سیدجمال جمالی اسگویی*، احمد بخشایشی اردستانی** و میرقاسم بنی‌هاشمی***

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۸	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۱۸	شماره صفحه: ۵۸-۳۳
------------------------	--------------------------	------------------------	-------------------

هدف پژوهش حاضر این است تا از رویکرد اقتصاد سیاسی، عوامل شکل‌گیری فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران را تبیین و تحلیل کند. پرسش اصلی این است که علل و عوامل پدیداری فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران چه چیزهایی است و مهمترین مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی نهادی یا کارگزاری مؤثر بر فساد کدام‌اند؟ از این رو بعد از پرداختن به مبانی مفهومی و نظری و نظریه‌های فساد و نیز اشاره به مهمترین مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی فساد، پاسخ به پرسش یاد شده از طریق نظرخواهی از خبرگان که شامل صاحب‌نظران دانشگاهی، کارشناسان و متخصصان نهادی و نیز مدیران سازمان‌ها و نهادهای مربوطه انجام شد. از لحاظ روش و تجزیه و تحلیل داده‌ها آزمون دبیلیو کندال در این مقاله برای بررسی میزان اجماع نخبگان در خصوص علل فساد مینا قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ساختار و الگوی اقتصاد سیاسی حاکم بر اقتصاد ملی و جامعه ایران در ایجاد و تداوم فساد در جمهوری اسلامی ایران مؤثر بوده است.

کلیدواژه‌ها: فساد؛ فساد اقتصادی؛ اقتصاد سیاسی؛ اقتصاد سیاسی فساد؛ جمهوری اسلامی ایران



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

*گروه علوم سیاسی-سیاستگذاری عمومی، واحد تهران مرکزی-دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛

Email: jjamali225@gmail.com

**گروه علوم سیاسی-اندیشه‌های سیاسی و مسائل ایران، واحد تهران مرکزی-دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: Ahm.Bakhshayeshi-Ardestani@iauctb.ac.ir

***گروه علوم سیاسی-مسائل ایران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ایران؛

Email: banihashemi@risstudies.org

مقدمه

گسترش روزافزون فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران و ناتوانایی مجموعه نهادهای تقنینی، قضایی، نظارتی و اجرایی برای جلوگیری و ریشه‌کن کردن فساد اقتصادی موجب مطرح شدن سؤال‌های بنیادی و کاربردی در مبارزه با مفاسد اقتصادی می‌شود. یکی از ضرورت‌های بسیار مهم، پی بردن به این مسئله اساسی است که آیا فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران در حال تبدیل شدن از فساد مزمن به فساد سازمان‌یافته است که مجموعه نظام با رویکردها و رویه‌های فعلی توان جلوگیری از گسترش و فراگیر شدن آن را ندارد؟ این سؤال از این رو مهم است که بر مبنای مطالعات و تجارب جوامع مختلف، فساد اقتصادی عامل برهم زدن توازن و تعادل نظام اجتماعی - فرهنگی، نظام اقتصادی و حتی ثبات نظام‌های سیاسی است. فساد کارکردهای سیستمی بخش‌های مختلف جامعه را برهم می‌زند و شیوع آن در سطوح نهادی و یا رده‌های بالای سیاسی و مدیران عالی‌رتبه می‌تواند مهمترین زمینه تضعیف مشروعیت سیاسی محسوب شود. در واقع در عرصه امنیت داخلی تأثیرات و تهدیدات امنیتی این موضوع عمیق‌تر است و به نوعی تهدید استراتژیک برای نظام حقوقی و رژیم سیاسی محسوب می‌شود.

یکی از مهمترین دغدغه‌ها و چالش‌های ذهنی و مدیریتی پاسخ به این سؤال است که چرا مبارزه با فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران به‌رغم سپری شدن نزدیک به چهار دهه از عمر انقلاب همچنان بی‌اثر بوده و تدابیر اعلانی و سیاست‌ها، تغییر جدی در پیشگیری و یا جلوگیری از وضعیت نامطلوب این پدیده به مثابه معضل بزرگ سیاسی - اقتصادی ایجاد نکرده است و برخلاف گفتمان انقلاب اسلامی ایران، فسادهای پدیدار شده و پرتکرار در نظام اداری، بانکی و برخی از بخش‌های اقتصادی به سمت سطحی از فساد مزمن حرکت کرده است. اهمیت موضوع به این دلیل است که اگر فساد اقتصادی ماهیت سازمان‌یافته و سیستمی پیدا کند برای مواجهه اصولی با این معضل ما به راهکارها و راهبردهای پیچیده و جامعی که برخاسته از یک نظام اندیشه‌ای و تفکر سازمان‌دهی شده باشد نیازمند هستیم که محصول تضارب و برابند اندیشه‌ها و تجربه‌ها باشد. بر این اساس برای درک مهمترین زمینه و علل شیوع فساد در سطح فردی و نهادی اقتصاد سیاسی

فساد در جمهوری اسلامی ایران، پژوهش حاضر به لحاظ روش شناختی به نظرخواهی از خبرگان مدیریتی و نخبگان فکری می‌پردازد.

۱. بررسی مفهومی

۱-۱. تعریف فساد

فساد موضوعی چندوجهی، چندسطحی و چندعاملی است؛ بنابراین هیچ‌گونه تعریف واحد، فراگیر و جهان‌شمولی از فساد وجود ندارد. برای اولین بار سن‌توریا (۱۹۳۱) تعریف فساد را این‌گونه تعریف کرد: «فساد عبارت است از سوءاستفاده از قدرت دولتی برای منافع شخصی» (دوگراف، ۱۳۹۴: ۳). آمولدسن نیز فساد را سوءاستفاده از کالاها و امکانات دولتی و عمومی توسط مأمورین دولتی برای بهره‌گیری شخصی تعریف کرده است (Amnuldson, 2000: 5).

۱-۲. اقتصاد سیاسی

در یک تعریف کلی می‌توان اقتصاد سیاسی را بررسی تأثیرات و تعامل متقابل مؤلفه‌های عرصه سیاست و قلمرو اقتصاد دانست. اقتصاد سیاسی با ماهیت سیاسی تصمیم‌گیری آغاز می‌شود و با چگونگی تأثیرگذاری امور سیاسی بر انتخاب‌های اقتصادی در یک جامعه ارتباط می‌یابد. در واقع رهیافت اقتصاد سیاسی بر وجود ارتباط میان مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی در شکل دادن به پدیده‌های اجتماعی تأکید کرده و بر چگونگی تأثیرگذاری امور سیاسی در برون‌دادهای اقتصادی توجه می‌کند. آدام اسمیت اصطلاح اقتصاد سیاسی را چنین تعریف کرده است: «شاخه‌ای از علم دولتمردان یا قانونگذاران با اهداف دوگانه ایجاد درآمد یا معاش زیاد برای مردم و رفع نیاز دولت یا جامعه از طریق ایجاد درآمد کافی برای خدمات عمومی» (آگرونوین، ۱۳۷۷: ۲۲۵).

۱-۳. رانت و دولت رانتیر

برای پرداختن به تعریف اقتصاد سیاسی و تأثیر آن در ایجاد فساد در جمهوری اسلامی ایران باید به مفهوم رانت، دولت رانتی و اقتصاد رانتی پرداخته شود چرا که نوع اقتصاد سیاسی حاکم بر مناسبات و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، مالی، تجاری و فعالیت‌های تخصیصی و بازتوزیعی منابع توسط دولت و کارگزاران آن از منظر دولت رانتی و اقتصاد رانتی قابل درک و فهم است. نفت و گاز در ایران باعث به وجود آمدن دولت رانتیر و جامعه‌ای رانت جو شده است. آدام اسمیت و ریکاردو رانت را درآمد و عواید حاصل از زمین و طبیعت می‌دانستند. درآمدی که بدون تلاش به دست می‌آیند و در برابر مفاهیمی چون سود و مزد به‌کار می‌روند که نتیجه تلاش و فعالیت اقتصادی است (طاهری، ۱۳۸۵: ۱۰۶). در اقتصاد سیاسی نیز رانت به معنای درآمدهای یک دولت از منابع خارجی (فروش مواد خام و منابع زیرزمینی و کمک سایر دولت‌هاست) که ربطی به فعالیت‌های تولیدی در اقتصاد داخلی نداشته و اغلب از استخراج منابع و مواهب طبیعی به دست می‌آید (طیبیان، ۱۳۷۱: ۳).

۱-۴. گونه‌شناسی فساد

۱-۴-۱. فساد تصادفی و فساد نظام‌مند

درجه شیوع فساد در جوامع مختلف متفاوت است و از درجه کم تا درجه بسیار رایج و قاعده‌مند تغییر می‌کند. اگر فساد کم باشد به آسانی قابل کشف و مجازات است. اما وقتی فساد در جامعه رایج شود و به شکل قاعده درآید، احتمال کشف و مجازات آن کاهش می‌یابد، زیرا برخلاف حالت اتفاقی، طرفین تمایلی به گزارش کردن خلاف ندارند. هر جا که فساد قاعده‌مند شده باشد نهادها، قوانین و ضوابط رفتاری با الگوهای غارتگری دیوان سالاران و کارگزاران دولتی تطابق می‌یابند و رشوه نیز می‌تواند باعث کند شدن رسیدگی به پرونده‌ها (و کاهش احتمال مجازات) شود (مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۲: ۲۱).

۱-۴-۲. فساد سازمان‌یافته و غیرسازمان‌یافته

مبنای این طبقه‌بندی دو خصیصه کلی است که یکی ارتکاب فساد به صورت انفرادی

یا جمعی و دیگری سازمان دهی شده یا نشده نوع و نحوه ارتکاب جرم است. بر این اساس، فساد سازمان یافته تلقی می شود که دو ویژگی مهم داشته باشد؛ اول اینکه به صورت جمعی و شبکه ای انجام شود نه فردی. و دوم اینکه تمام مراحل ارتکاب فساد اعم از برنامه ریزی و اجرا یا بخشی از آن سازمان دهی شده باشد (همدمی خطبه سرا، ۱۳۸۷: ۴۱). در جرم سازمان یافته، بازیگران اقتصادی حوزه تجارت و فعالیت های غیرقانونی تلاش دارند با پرداخت رشوه به پلیس، سیاستمداران و قضات و همچنین با شریک کردن آنها در سود فعالیت های تجاری غیرقانونی با اطمینان خاطر فعالیت کنند. آنها در اغلب مواقع فعالانه می کوشند پلیس و نهادهای نظارتی را فاسد کنند (Akerman, 1999: 72).

۲. بررسی نظری

۲-۱. نظریه ها و رهیافت ها نسبت به فساد

۲-۱-۱. نظریه نخبگان

فساد با هنجارها و ارزش های برخی گروه های نخبه فرصت طلب ارتباط دارد. اگر هنجارها و ارزش های نخبگان، موجب فساد نباشد شاهد بروز فساد در بین آنها نخواهیم بود. زمانی که ارزش های واحدی بین نخبگان حاکم بوده و برخی از آنها در پی دستیابی به فرصت های سیاسی مترتب بر تحقق خواسته های جامعه باشند، فساد بروز خواهد کرد (Jain, 2005: 64). نظریه نخبگان سه فرض اساسی دارد: ۱. میزان فساد در هر جامعه به رفتار سیاسی نخبگان بستگی دارد. ۲. رفتار سیاسی نخبگان تحت تأثیر هنجارها و ارزش های آنان است. ۳. هرگونه تحول در این نوع از هنجارها و ارزش ها نشئت گرفته از فرهنگ نخبگان است، بنابراین فرهنگ نخبگان خاستگاه تحول در ارزش های نخبگان، رفتار آنان و در نهایت فساد سیاسی است (Ibid.,: 74).

۲-۱-۲. رهیافت نظریه عقلانیت فردی نسبت به فساد

در رویکرد عقلانیت فردی، فساد سیاسی به عنوان نتیجه محاسبات عقلانی هزینه ها

و سودهای کارگزاران حکومتی تلقی می‌شود. در این رهیافت فرض بر آن است که سیاستمداران و بوروکرات‌ها در پی قدرت سیاسی و مالی هستند که اگر اهداف آنها صرفاً مبتنی بر سود و منطق هزینه - فایده باشد، این امر روند سالم رقابتی‌های سیاسی، فرایند تصمیم‌گیری و نظارت سیاسی را مختل کرده و منابع نظام سیاسی را به دنبال اهداف خود می‌کشد که دلیل این امر آن است که بقا و حمایت سیاسی از این افراد مستلزم توزیع و تخصیص غیرقانونی منابع عمومی است (هیوود، ۱۳۸۱: ۱۱).

۳-۱-۲. رهیافت الگوی نهادی نظام‌های سیاسی

پیروان این رهیافت بر این باورند که نهادها باعث شکل‌گیری رفتارها می‌شوند و در نتیجه برخی از نهادهای سیاسی مستعد فساد هستند. مطالعه رابطه بین نهادهای سیاسی و حاکمیت سیاسی و فساد و تأثیر متفاوت انواع نظام‌های سیاسی؛ بر افزایش و یا کاهش فساد تأکید دارد. مفهوم الگوی نهادی در فرض رقابت سیاسی واقع شده است که بر انتخابات ایدئال به عنوان ابزار کافی برای کنترل، پاسخگویی و کنترل فساد تأکید دارد و در پی کشف و تبیین تأثیر سازوکارهای علی کنترل همچون باز بودن و شفافیت نظام سیاسی و رقابت حزبی، قواعد تصمیم سازی یا مسائل کنش جمعی است (Degraaf, Wagenaar and Patrick Von, 2010: 18).

۲-۲. اقتصاد سیاسی و تأثیر انواع رانت بر فساد

علاوه بر ساختار سیاسی؛ میان نوع ساخت و مناسبات اقتصادی و فساد نیز ارتباط نزدیکی وجود دارد. تجارب چند دهه اخیر نشان می‌دهد که سطح فساد در اقتصادهای بسته با تصدیگری بالای دولت به مراتب بیشتر بوده است. علاوه بر این سطح فساد اقتصادی و رانت‌ها ارتباط مستقیمی با سطح گسترش بوروکراسی دارد. اقتصادهای رانتی به فریبهی و حجیم شدن دولت، انحصارهای دولت در اقتصاد و در نهایت به فساد و رانت جویی اقتصادی منجر می‌شود (سردارنیا، ۱۳۹۵: ۱۰۳-۱۰۲). از انواع رانت می‌توان به رانت سیاسی، اقتصادی، قضایی و اطلاعاتی اشاره کرد. در مقاله حاضر با توجه به انتخاب رهیافت اقتصاد

سیاسی در بررسی علل فساد در جمهوری اسلامی ایران، رانت سیاسی و اقتصادی مورد توجه است.

۱-۲-۲. رانت سیاسی

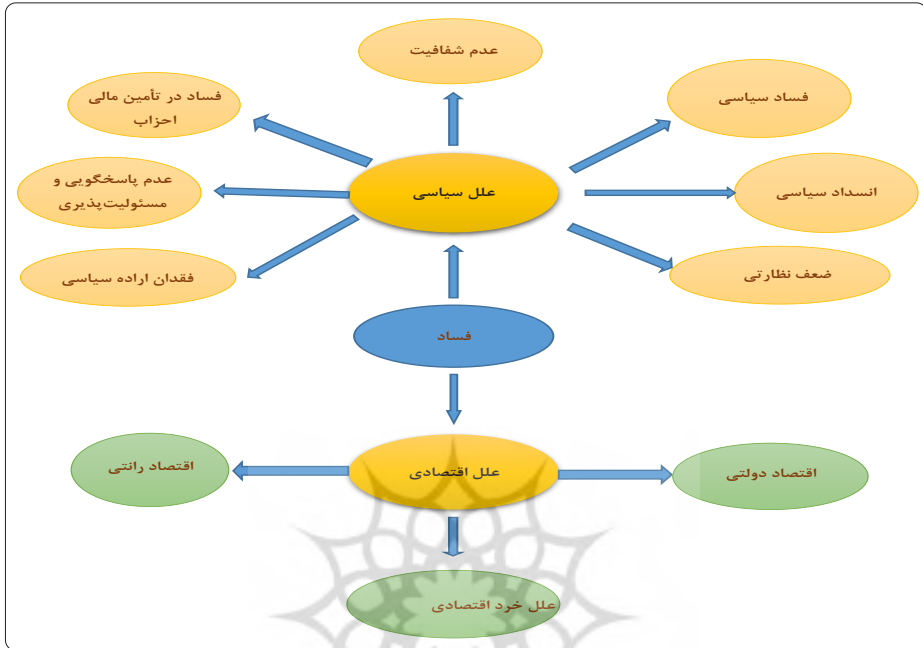
فساد سیاسی یکی از پیامدهای مهم شکل‌گیری رانت سیاسی در هر جامعه‌ای است. هرگاه دولت و احزاب قدرتمند سیاسی که توزیع و تصمیم‌گیری در خصوص منابع قدرت و ثروت را در اختیار دارند در انجام این کار بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه تبعیض قائل شوند و در واقع چنانچه اراده متنفذان سیاسی خارج کردن رقبا از میدان و دادن امتیاز به یک فرد یا گروه خاصی باشد یک رانت سیاسی برای فرد، گروه خاص و یا شبکه حامیان شکل می‌گیرد.

۲-۲-۲. رانت اقتصادی

رانت‌های اقتصادی ناشی از بهره‌مندی بدون زحمتِ طیفی از گروه‌های اجتماعی از برخی منابع و عوامل اقتصادی مانند منابع طبیعی، امتیازات و محدودیت‌های بازرگانی، سیاست‌های حمایتی، کنترل قیمت‌ها، چندگانگی نرخ ارز، تخصیص سهمیه‌های ارزی و نحوه توزیع بودجه و اعتبارات دولتی است. چنین رانت‌هایی باعث تضعیف انگیزه تولید و کاهش درآمدها می‌شود و افراد بااستعداد و مولد به سوی جستجو و کسب رانت رفته و بنیان‌های اقتصاد یک کشور آسیب می‌بینند (پارچه‌فروش، ۱۳۹۲: ۱۵).

در جمهوری اسلامی ایران وابستگی شدید بودجه و برنامه‌های توسعه به رانت‌های ارزی حاصل از فروش نفت و گاز و وابستگی شدید اقتصاد به درآمدهای نفتی و ارز حاصل از آن باعث شکل‌گیری نوعی از ساختار اقتصاد سیاسی رانتهی پایدار شده که زمینه‌ساز فساد در ایران شده است. بر این مبنا استقلال نسبی مالی دولت از درآمدهای مالیاتی و قدرت انحصاری دولت در تخصیص و بازتوزیع منابع موجب شکل‌گیری رانت‌های بزرگ اقتصادی برای برخی اعضای بخش خصوصی، بخش عمومی ذی‌نفوذ و نیز شرکت‌ها و مدیران چندزیست خصولتی و شبه‌دولتی - شبه‌عمومی و در نهایت عدم مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی نهادی و فردی شده است.

مدل ۱. مدل مفهومی اقتصاد سیاسی فساد



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۳. روش‌شناسی تحقیق

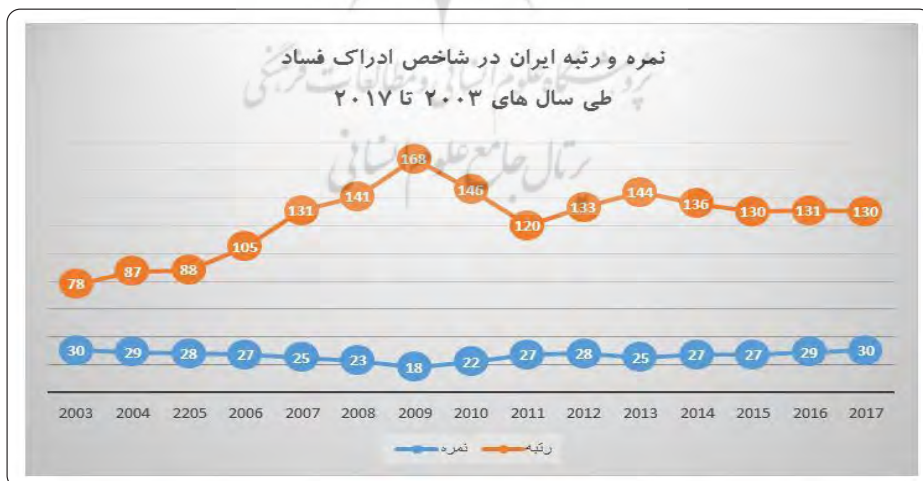
در این مقاله تلاش شده تا علل اقتصاد سیاسی فساد در جمهوری اسلامی ایران با استفاده از نظرات خبرگی کشف و استنتاج شود. براین اساس جامعه نمونه پنجاه نفر از خبرگان که ۵۶ درصد مدرک دکترا و ۴۴ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد که شامل اساتید دانشکده‌های علوم سیاسی، نمایندگان مجلس و برخی از مسئولان و کارشناسان مربوطه و همچنین از برخی مراکز علمی - پژوهشی از جمله پژوهشکده مطالعات راهبردی، سازمان بازرسی کل کشور، سازمان مردم‌نهاد شفافیت و عدالت، مؤسسه افکارسنجی، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز بودند انتخاب شدند. به لحاظ روشی و تجزیه و تحلیل داده‌ها، آزمون دیلیو کندال برای بررسی میزان اجماع نخبگان در خصوص علل فساد مبنا قرار گرفت. نمونه‌گیری مقصودی و هدفمند بود و پاسخگویان به صورت هدفمند و قضاوتی انتخاب و از سؤال‌های دست اول

استفاده شده شد. قلمرو مکانی تحقیق شهر تهران و نوع تحقیق کاربردی بود. چنانکه اشاره شد سنجش روایی پرسشنامه تحقیق حاضر نیز نظرخواهی و تأیید گروهی از استادان علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی و حقوق بوده است.

۴. وضعیت فساد در جمهوری اسلامی ایران

در این قسمت وضعیت فساد در جمهوری اسلامی ایران از منظر شاخص ادراک فساد سازمان شفافیت بین‌الملل بررسی می‌شود. سازمان شفافیت بین‌الملل که سالانه وضعیت همه کشورها را از نظر سطح فساد بررسی می‌کند در گزارش‌های خود، شاخص ادراک فساد را برای اقتصاد ایران از سال ۲۰۰۳ تاکنون منتشر کرده است. براساس آخرین گزارش منتشر شده از سوی این سازمان در سال ۲۰۱۷ که وضعیت فساد را در ۱۸۰ کشور مورد ارزیابی قرار می‌دهد، وضعیت جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۱۷ نسبت به سال ۲۰۱۶ تفاوت چندانی نداشته و از رتبه ۱۳۱ به ۱۳۰ تقلیل یافته که بیانگر نزول یک‌پله‌ای در این رتبه‌بندی است. نمودار ۱ رتبه ایران طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۷ در شاخص ادراک فساد را به تصویر می‌کشد.

نمودار ۱. شاخص ادراک فساد ایران در بازه زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۷



براساس داده‌های سازمان شفافیت در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۳ بهترین وضعیت سلامت اقتصادی ایران در دوازده سال اخیر مربوط به سال ۲۰۰۳ است که شاخص ادراک فساد عدد ۳۰ را نشان می‌دهد. پس از آن روند سلامت اقتصادی تا سال ۲۰۰۹ نزولی بوده است که در این سال بدترین وضعیت برای کشور نمایانگر می‌شود و رتبه ایران از نظر سلامت اقتصادی در سطح جهانی به رتبه ۱۶۸ تنزل می‌یابد. پس از آن مجدداً روند فسادگریزی یا بهبود نسبی در روندهای سلامت اداری مثبت شد و در آخرین آمار ارائه شده در سال ۲۰۱۷ شاخص ادراک فساد عدد ۳۰ را نشان می‌دهد و رتبه ایران به رتبه ۱۳۰ بهبود یافته است (جمالی، ۱۳۹۷: ۹۹).

۵. عوامل سیاسی - اقتصادی فساد در جمهوری اسلامی ایران

با توجه به اینکه چارچوب تحلیلی این نوشتار برای فهم زمینه‌ها و علل فساد و تخلفات کلان و خرد اقتصادی و اداری در جمهوری اسلامی رویکرد اقتصاد سیاسی است، دو طیف مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد و سعی می‌شود در هر یک از این عرصه‌ها، مهمترین زمینه‌ها مورد شناسایی و ارزیابی نسبی قرار گیرد.

۵-۱. علل سیاسی فساد

۵-۱-۱. فساد سیاسی (نهادهای و کارگزاران)

رفتار فسادآلود بسیار متمایز از جرائم معمول است و این امر حاکی از منحصر به فرد بودن زمینه‌ها و اهداف فساد است. این زمینه‌ها و عوامل در فضایی شکل می‌گیرد که در آن الگوهای خاصی از روابط بین افراد، گروه‌ها و دولت آغاز می‌شود. ساختار کلان سیاسی (ویژگی نهادی نظام سیاسی، توازن قوا، رقابت‌پذیری انتخاباتی و...) انگیزه پاک‌دستی و یا ورود به تخلفات در ادارات و همچنین کیفیت پاداش و مجازات افراد در داخل یا بیرون سیستم اداری را مشخص می‌کند. نتایج نشان می‌دهند که با دمکراسی، نظام‌های پارلمانی، ثبات دمکراتیک و آزادی بیان؛ فساد به صورت نظام‌مند کاهش می‌یابد (استفهارست، پلیزو و نیل، ۱۳۹۴: ۷۷). فساد سیاسی قاعدتاً در سطوح بالا و میانی مقام‌های سیاسی رخ می‌دهد. این نوع از فساد زمانی محقق می‌شود که سیاستمداران و تصمیم‌گیرندگان سیاسی (رؤسای دولت، وزرا و

مقامات ارشد) که باید قانون را به نام مردم تنظیم، تأیید و اجرا کنند، خودشان فاسد باشند. در این نوع از فساد با افراد متنفدی سروکار داریم که از موقعیت‌های خود برای گرفتن رشوه‌های کلان از شرکت‌های دولتی استفاده می‌کنند، درآمدهای کلانی از راه تقلب در معاملات به دست می‌آورند و یا مقادیر هنگفتی از پول را که از خزانه دولت اختلاس کرده‌اند را به حساب‌های بانکی خود (که اغلب در خارج از کشور است) منتقل می‌کنند. به علاوه، فساد سیاسی زمانی به وقوع می‌پیوندد که سیاستگذاری و قانونگذاری به نحوی تغییر داده شده باشد تا سودی عاید سیاستمداران و قانونگذاران شود (مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۸: ۲۳).

۲-۱-۵. انسداد سیاسی (چرخش نخبگان به جای گردش واقعی نخبگان)

شاید دلیلی که بیش از دلایل سیاسی دیگر برای توضیح فساد مؤثر به نظر برسد «موانع ورود به بازار سیاسی» باشد. هرچه هزینه‌ها در بازار سیاسی پایین‌تر باشد، فعالیت و ورود برای یک حزب جدید و غیرفاسد، آسان‌تر خواهد بود تا سیاست‌های حزبی خود را بدون تغییر حفظ کند و آرای حزب فاسد کهنه‌کار را به خود اختصاص دهد. معمولاً کارگزاران در نظام‌های فاسد بعد از تثبیت موقعیت خود موانعی را برای ورود به صحنه سیاست پدید می‌آورند تا بتوانند حفظ و تداوم قدرت خود را تضمین کنند. این موانع عنصر ذاتی دموکراسی نیستند، بلکه انحراف از فرایندهای دموکراتیک هستند. در واقع بدکارکردی دموکراسی و جهت‌گیری آن به سمت نوعی الیگارشی مهندسی شده در فرایندهای دموکراتیک مانند انتخابات منجر به فساد می‌شود (کی جین، ۱۳۸۶: ۱۱۹).

امانوئل والسترین می‌گوید: «نظامی که قدرت را به صورت غیردموکراتیک و نابرابر توزیع کند، بدین معناست که سایر چیزها را هم به صورت نابرابر توزیع می‌کند و چنین نظام‌هایی نمی‌توانند مردم سالار باشند». بنابراین فقدان دولت‌های مردم‌سالار، عامل اصلی بازتولید فساد در تمامی عرصه‌هاست. به بیان دیگر، توسعه نامتوازن و نابرابری در بهره‌مندی از فرصت‌های سیاسی، آموزشی، اقتصادی، علمی، مدیریتی و فاصله طبقاتی در دوره‌های تاریخی مانند پهلوی اول و دوم نشانگر این مطلب است که بدکارکردی نهادهای دموکراتیک مانند پارلمان و انتخابات در ایران موجب پایداری و تداوم فساد شبکه‌ای و سیاس شده است. از طرفی، گسترده‌گی دولت و قرار داشتن عرصه سیاست، فرهنگ، اقتصاد و عمده‌ترین

سرمایه‌های ملی مانند نفت و همچنین چرخش قدرت سیاسی و اقتصادی در دست عناصر محدود به صورت دائمی و تکراری، موضوعی بوده که فساد را در درون دولت و بعضی از نهادهای خصوصی و نیز در عرصه اقتصادی و برخورداری از رانت‌ها نهادینه و ریشه‌دار کرد (حاجیان، ۱۳۸۹: ۱۵۹-۱۵۸). در جمهوری اسلامی ایران شواهد عینی، مبین این حقیقت است که گردش نخبگان سیاسی، مدیریتی و اداری به معنای واقعی نیفتاده است و در طول عمر چهل ساله انقلاب نخبگان سیاسی، اجرایی و مدیریتی به‌رغم کاستی‌ها و نقص‌ها در انجام مسئولیت‌های محوله و نقص در مدیریت مسائل کلان حاکم بر کشور، به جای گردش واقعی نخبگان، آنان فقط جابه‌جا شدند و ازدواج‌های مصلحتی سیاسی این معضل را تشدید کرده است. این مسئله باعث تسلط عده‌ای قلیل بر منابع کشور شده و یک سیستم بسته مدیرتی، اقتصادی و سیاسی را به وجود آورده است.

۳-۱-۵. نبود شفافیت (نبود جریان آزاد اطلاعات در مراکز تصمیم‌گیری و اجرایی)

از دیدگاه سیاسی، شفافیت به معنای روشن و آشکار بودن اساس فعالیت‌ها و تصمیم‌های سیاسی و سازوکارهای حاکم بر نحوه توزیع قدرت در جوامع است که باعث اعتماد و اطمینان متقابل در روابط میان افراد و گروه‌های مختلف می‌شود. امکان رقابت سالم بین احزاب و گروه‌های سیاسی برای کسب قدرت و وجود رسانه‌های جمعی و مطبوعات آزاد جهت اطلاع‌رسانی صحیح و انتقاد از عملکرد مقامات حاکم، از شرایط لازم برای شکل‌گیری یک محیط شفاف سیاسی است. در این فضا از تمرکز قدرت در دست یک فرد یا گروه خاص، رانت‌جویی و اعطای امتیازات ویژه و انحصارات به افراد یا گروه‌های خاص جلوگیری می‌شود. نظام اقتصادی کشور در دهه‌های گذشته به علت‌های مختلف از جمله دخالت گسترده و روزافزون دولت در فعالیت‌های اقتصادی مانند در تعیین دستوری و اداری قیمت‌ها و اعطای یارانه‌های مختلف، دچار عدم شفافیت اقتصادی، تخصیص غیربهبینه و اتلاف وسیع منابع و امکانات و بروز رفتارهای اقتصادی غیرعقلانی در تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان شده است (موسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۲: ۱۷-۱۵).

بی‌اطلاع مردم از شرایط و زمان تسهیلات اعطایی ارزی و ریالی دولت و همچنین

مجوزهای مختلف وارداتی و صادراتی و سهمیه‌ها یکی از تبعات جبران‌ناپذیر نبود شفافیت و ناآگاهی اکثریت مردم از تسهیلاتی است که بانک‌ها، وزارت‌خانه‌ها یا سازمان‌های تحت پوشش بخش عمومی غیردولتی، از منابع حاصل از بودجه سالانه یا منابع دیگر، با نرخ پایین‌تر از بازار در اختیار افرادی خاص قرار می‌دهند. نتیجه این وضعیت، ارتکاب جرائمی همچون «تبانی در معاملات دولتی، ارتشا و کسب درآمدهای نامشروع، توزیع ناعادلانه درآمدها و فرصت‌های اقتصادی، شکاف طبقاتی و پیدایش انحصارات اقتصادی است» (همدمی خطبه‌سرا، ۱۳۸۷: ۱۴۵). نبود شفافیت، احتمال علنی و محکوم شدن بابت کارهای خلاف را کاهش می‌دهد و تحلیل‌های هزینه - فایده را به نفع فساد سوق می‌دهد (استفهارست، پلیزو و نیل، ۱۳۹۴: ۴۷).

شفافیت و شفاف‌سازی نظام‌های اداری، اقتصادی، مالیاتی، بانکی و همچنین شفافیت در نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی کشور از مهمترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در امر مبارزه با فساد و از بین بردن زمینه‌ها و بسترهای به وجودآورنده فساد است. چرا که شفافیت در حوزه‌های مختلف کشور، موجب جریان آزاد اطلاعات می‌شود و این جریان آزاد اطلاعاتی مانع و سد محکمی در برابر فساد است. در ضمن تکیه محض بر عوامل انسانی در ساختار اداری کشور در مقابل الکترونیکی و سیستمی کردن فرایندها و امور اداری موجبات شکل‌گیری فساد شده است. از این‌رو دولت یکپارچه الکترونیک و سیستمی کردن فرایندهای اداری و شفاف‌سازی، سازوکارهای مهمی برای پیشگیری از فساد است.

۴-۱-۵. فساد در تأمین مالی احزاب یا گروه‌های سیاسی

ریکاردو پلیزو نشان می‌دهد که چگونه نهادینه شدن ضعف احزاب سیاسی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، وسوسه برای تأمین نیازهای مالی با روش‌های غیرقانونی را افزایش داده است. این مشکل به‌خصوص در زمان رقابت انتخاباتی احزاب سیاسی برای کسب قدرت تشدید و به رقابت برای منابع مالی و مشکلات تأمین مالی احزاب سیاسی منجر می‌شود (همان: ۳۳). رسوایی‌های فساد در تأمین مالی مبارزات انتخاباتی بسیاری از اغلب شامل خود نمایندگان پارلمان است که می‌تواند اشکال بسیاری داشته باشند؛ مثل

خرید رأی، استفاده غیرقانونی از منابع دولتی و... نگرش رأی دهندگان موضوع دیگری است؛ اگرچه آنها به طور کلی فساد را محکوم می‌کنند، اما همچنان رأی خود را می‌فروشند. همچنین در برخی موارد، نامزدها معتقدند اگر هزینه مبارزات انتخاباتی را بدون یارانه دولتی بپردازند هیچ شانس برای مشارکت در افزایش غیرقانونی تأمین مالی ندارند (همان: ۳۴). فساد در تأمین مالی فعالیت‌های خود معمولاً شامل یکی از موارد ذیل می‌شود: ۱. کمک‌های سیاسی که قوانین موجود را در زمینه تأمین مالی فعالیت‌های سیاسی نقض می‌کنند. ۲. استفاده از پولی که مقام سیاسی شاغل از مبادله فسادآمیز برای مبارزات انتخاباتی یا اهداف حزبی به دست آورده است. ۳. استفاده غیر مجاز از منابع دولتی برای مقاصد حزبی. ۴. پذیرش پول در ازای نفع غیرقانونی یا وعده دادن یک نفع در صورت انتخاب شدن برای یک پُست. ۵. کمک مالی از منابع بدنام. ۶. هزینه کردن برای اهداف ممنوع همانند خرید رأی (همان: ۳۰۴).

۵-۱-۵. ضعف نظارتی و نهادهای مرتبط

ضعف نهادهای نظارتی و قضایی به دلیل نفوذ، محافظه‌کاری یا ترس، یکی دیگر از عوامل رشد فساد است. آلوده شدن بعضی از وزارت خانه‌ها که خود مسئول برخورد با این مفاسد هستند و روی آوردن برخی از نمایندگان مجلس به فعالیت‌های اقتصادی و استفاده از هزینه‌های کلان میلیاردی برای تبلیغات، همه به ضعف این نهادها در نظارت کمک کرده است. برخوردهای جناحی و سیاسی در رسیدگی به تخلفات مقامات یا برخی نهادها و مؤسسات، وجود نهادها و سازمان‌های بازرسی موازی و وابسته به دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی و فقدان اختیارات مستقل از دستگاه‌ها برای برخورد با سوءاستفاده‌ها و عناصر فساد، از مؤلفه‌هایی است که فساد را استمرار می‌بخشد. ترجیح مصلحت‌اندیشی‌های فردی بر مصالح نظام و حقوق اساسی مردم در برخورد با برخی از عناصر فساد، عدم قاطعیت مورد انتظار دستگاه‌های قضایی در برخورد با قاچاقچیان کالا، مواد مخدر، ارز و زمین‌خواران و نادیده گرفتن سوابق و تجربه‌های هزاران مدیر کارآمد در اداره کشور با ملاحظات سیاسی، حزبی و فقدان نظارت دولتی و مردمی زمینه مفاسد مالی را بیش از پیش فراهم می‌کند (حاجیانی، ۱۳۸۹: ۱۶۶). گفتنی است کارایی و اثربخشی نظارت، توسط دستگاه‌های نظارتی مستقل و پاک زمانی میسر

خواهد بود که مستمر و مداوم انجام شود و همچنین از یک ضمانت اجرایی قوی برخوردار باشد که بتواند به طور مستقل فساد را کشف و با آن برخورد کند.

۵-۱-۶. اراده مبارزه با فساد سیاسی

هر جایی که تعهد ضدفساد واقعی است، اراده سیاسی می‌تواند افشاکننده باشد. بی‌انگیزگی، ترس، استعفا و فرصت‌طلبی می‌تواند آن را تقلیل دهد و تعهد اصلاحگران و اراده سیاسی مبارزه با فساد را تضعیف کند. اولین شاخص اراده سیاسی، ورود به برخی طرح‌ها و ابتکارات است. طرح‌های داخلی شامل انگیزه‌بخشی به اصلاحگرانی است که خودشان درک کنند فساد یک موضوع برجسته است و به انجام اقدامات ضروری برای مبارزه با آن علاقمند باشند. شاخص دوم سطح بالای مشارکت در فرایندهای اصلاحی است. آیا نظام راهبردی را اتخاذ کرده است که مشارکتی باشد و منافع تعدادی از سهام‌داران را ادغام کند؟ شاخص سوم شامل راهبردهای اصلاحی برای پیشگیری، آموزش و مجازات برای مبارزه با فساد است. شاخص چهارم، تخصیص منابع کافی برای نهادهای ضدفساد است. شاخص پنجم، موضوع کنترل و ارزیابی تلاش‌های اصلاحی برای در نظر گرفتن اصلاحات دوره‌ای و تضمین درستی اهداف سیاسی است (استفهارست، پلینزو و نیل، ۱۳۹۴: ۸۷).

اراده سیاسی برای تداوم بخشیدن به اقدام ضدفساد مؤثر، باید به طور گسترده ایجاد شود. اراده سیاسی زمانی کارآمد خواهد بود که همه چیز را شامل شود و منافع گسترده‌ای از حوزه‌ها را دربرگیرد. در این زمان وقتی اراده سیاسی نهادینه شود و به اشخاص و توجه افراد خاصی وابسته نباشد ماندگار خواهد بود. فضای لازم برای رشد این اراده سیاسی باید از درون نظام سیاسی به وجود آید و بخش جدایی‌ناپذیر از فرایندهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شود (همان: ۹۴).

۵-۲. علل اقتصادی فساد

۵-۲-۱. اقتصاد دولتی

در کشورهایی که حکومت مجموعه‌های اقتصادی انحصاری تشکیل می‌دهند، فساد زمینه مناسب‌تری برای رشد دارد. قدرت به علاوه اطلاعات و اخبار داخلی برای مقامات

دولتی فرصت‌هایی را ایجاد می‌کند تا منافع خودشان یا کسانی که در زمره حامیان شان محسوب می‌شوند را ارتقا بخشند (ابراهیم‌آبادی و مرشدی‌زاد، ۱۳۸۳: ۱۷).

حضور دولت در فعالیت‌های اقتصادی، صنعتی و سیاست‌های قیمتگذاری عامل مهمی در جرائمی مانند ارتشا به حساب می‌آید. غالباً قیمت فروش یک محصول تولیدی از قیمت بازار آزاد آن به مراتب پایین‌تر است و این امر باعث افزایش تقاضا نسبت به عرضه خواهد شد، از این رو دولت ناچار است از بین متقاضیان براساس معیارهایی افراد واجد شرایط را انتخاب کند. ارزیابی شرایط متقاضیان و انتخاب افراد واجد شرایط برعهده دستگاه‌های اداری است و به کارکنان مسئول قدرت زیادی داده و زمینه برای ارتشا فراهم می‌شود. نتایج مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد در اقتصاد ایران ارتباط قوی و مثبت بین بودجه دستگاه‌های دولتی و فساد اداری وجود دارد، به طوری که ۱ درصد افزایش در بودجه دولت به قیمت ثابت باعث ۸۲ درصد افزایش در پرونده‌های اختلاس، ارتشا و جعل می‌شود. بنابراین کاهش حجم دستگاه‌های دولتی یا به عبارت دیگر کوچک کردن بخش دولتی می‌تواند نقش مهمی در کاهش بودجه دولت و در نتیجه کاهش جرائم فساد اداری داشته باشد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۷۷: ۱۳۰-۱۲۳).

۲-۲-۵. اقتصاد رانتي

اقتصاد ایران از دهه ۱۳۴۰ به بعد یک اقتصاد رانتي بوده و پس از انقلاب نیز همچنان ویژگی رانتي و وابستگی بالای خود به این درآمدها را حفظ کرده است. نتیجه استمرار اقتصاد رانتي در چند دهه اخیر، تصدیگری فزاینده دولت در اقتصاد، استمرار تعداد قابل توجهی از انحصارات در حوزه تجارت و تعداد قابل توجهی خدمات بوده است (مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۲: ۷۸).

پس از انقلاب و به‌ویژه پس از پایان جنگ نیز مدیریت مطلوب و نظارت جدی بر نحوه هزینه‌کرد و توزیع منابع رانتي یا نفتی در فرایند سیاستگذاری‌های توسعه انجام نشد. کشور نتوانست از اقتصاد رانتي و نفتی نجات یابد و تصدیگری فزاینده و روزافزون دولت در اقتصاد، در عمل مانع از پیدایش فضای رقابتی جدی در عرصه اقتصاد شد. به دلیل عدم رقابت واقعی و برخورداری افراد و گروه‌های متنفذ از رانت‌های اطلاعاتی و نفوذ سیاسی؛ زمینه انحراف‌های اقتصادی، فساد اداری و اقتصادی یا رانت‌های غیرقانونی افزایش یافت.

تداوم انحصارات و تصدیگری فزاینده دولت و مقررات دست‌وپاگیر، عرصه را برای بخش خصوصی تنگ‌تر کرده و انگیزه آنها برای تبانی فساد و سرّی با کارگزاران حکومت برای فرار از قوانین و نظارت را قوی‌تر کرده است (سردارنیا، ۱۳۹۵: ۱۱۲). براساس برخی گزارش‌ها، فساد از مشخصه‌های تجارت نفت است، وابستگی به نفت و گاز می‌تواند به‌طور غیرمستقیم بر فساد تأثیرگذار باشد. در ایران نیز همچون بسیاری از کشورهای تولیدکننده نفت، وجود نفت و گاز باعث شکل‌گیری ساختارهای ضعیف نظارتی دولت شده که انجام اقدامات فسادانگیز را برای مقامات دولتی به‌شدت ساده کرده است. در عمل مخاطرات فساد در محیط‌هایی که دارای منابع غنی هستند بسیار بزرگ و متنوع است و هزینه‌های آن برای اقتصاد ملی بسیار سهمگین است (راغفر، ۱۳۸۷: ۲۸).

۳-۲-۵. تحلیل فساد در سطح خرد اقتصادی

یکی از مهمترین علت‌های شیوع و پایداری فساد در تمام جوامع مربوط به سطح اقتصاد خرد یا پایین بودن سطح دستمزدها و حقوق در بخش عمومی (دولتی) است که باعث می‌شود افراد راه‌های غیرقانونی را در تأمین معاش خود طی کنند. همچنین فقر یکی از مهمترین علل شکل‌گیری و زمینه‌ساز مفاسد است. تورم روزافزون و روند دائمی نزول قدرت خرید و بیکاری، مردم را به کسب درآمدهای سهل‌الوصول و فعالیت‌های فاسد ترغیب می‌کند. نتایج یک مطالعه انجام شده در ایران نشان می‌دهد بودجه دولت و تورم از جمله متغیرهایی است که در افزایش فساد مالی مؤثر هستند. افزایش بودجه دولت، با توجه به دولتی بودن بخش بزرگی از فعالیت‌ها در کشور به‌طور چشمگیری باعث افزایش مفاسد مالی و پرونده‌های اختلاس، ارتشا و جعل شده است. تورم فزاینده جو نامطمئن را ایجاد و نرخ تنزیل را در ررحان یک کارمند افزایش می‌دهد. این مسئله باعث می‌شود که کارمندان برای حداکثر کردن مطلوبیت خود نهایت سوءاستفاده از امکانات و موقعیت‌های موجود را داشته باشند. کارمندان دولت نسبت به آینده با شک و تردید مواجه هستند و سعی خواهند کرد با ایجاد پشتوانه‌های محکم در دوران تصدی خود، نسبت به آینده اطمینان بیشتری کسب کنند (دادگرو و معصومی‌نیا، ۱۳۸۳: ۶۷-۶۵).

۶. اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران و فساد از منظر خبرگان فکری و نهادی

در این پژوهش تلاش شده است علل اقتصاد سیاسی فساد در ایران با استفاده از نظرات خبرگی احصا شود. از این رو ۳۵ علت در ادبیات نظری شناسایی و سپس با استفاده از پرسشنامه، رابطه علل با اقتصاد سیاسی فساد از خبرگان سؤال شد. برای شناخت علل اقتصاد سیاسی فساد، علاوه بر نمرات زیاد و خیلی زیادی که خبرگان برای هر یک از علت‌ها در نظر گرفته‌اند، میزان توافق مجموع خبرگان نیز در خصوص علل اقتصاد سیاسی فساد نیز مهم است، بنابراین آزمون دبیلیو کندال برای بررسی میزان اجماع خبرگان در خصوص علل اقتصاد سیاسی فساد انتخاب شد.

با توجه به سخت‌گیری آزمون دبیلیو کندال و لزوم توافق حداقلی ۵۰ درصد، تلاش شد با کمک آماره انحراف استاندارد، عللی که خبرگان در خصوص آن توافق کمتری داشتند، از آزمون دبیلیو کندال حذف شده و مقدار توافق آنها حداقل تا ۵۰ درصد افزایش یابد. آمار توصیفی برای ۳۵ علت فساد در جدول زیر آمده است.

جدول ۱. آمار توصیفی

گویه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف آماری	حداقل	حداکثر
۱. نظام اداری کشور از شفافیت لازم برخوردار است.	۵۰	۱/۸۰	۰/۷۲۷	۱	۵
۲. عدم شفافیت نظام اداری در شکل‌گیری مفسد اقتصادی کلان مؤثر است.	۵۰	۴/۶۸	۰/۴۷۱	۴	۵
۳. عدم شفافیت اقتصادی، نظیر شفاف نبودن در گردش پول و کالا، از عوامل مهم فساد اقتصادی است.	۵۰	۴/۶۰	۰/۴۹۵	۴	۵
۴. نظام اداری عریض و طویل و پیچیده از اصلی‌ترین عوامل فساد اقتصادی سازمان یافته است.	۵۰	۴/۲۸	۰/۶۷۱	۲	۵
۵. مداخله دستگاه‌های دولتی (حاکمیتی) در اقتصاد ایران فوق‌العاده زیاد است و بخش قابل ملاحظه‌ای از فساد اقتصادی ناشی از مداخله این دستگاه‌ها در اقتصاد است.	۵۰	۴/۴۰	۰/۷۲۸	۱	۵
۶. به دلیل مداخله دستگاه‌های حاکمیتی در اقتصاد دایره فساد اقتصادی در ایران خیلی وسیع است.	۵۰	۴/۱۴	۰/۷۲۹	۲	۵
۷. نوسانات شدید قیمت‌ها باعث ثروت‌های بادآورده و موجب فساد اقتصادی است.	۵۰	۴/۳۶	۰/۷۴۹	۲	۵

گویه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف آماری	حداقل	حداکثر
۸. مفساد اقتصادی عامل افزایش شکاف طبقاتی در جامعه است.	۵۰	۴/۵۲	۰/۶۴۶	۲	۵
۹. تکیه محض بر عوامل انسانی در ساختار اداری کشور در مقابل الکترونیکی و سیستمی کردن فرایندها و امور اداری موجب شکل‌گیری فساد اقتصادی شده است.	۵۰	۴/۰۰	۰/۷۸۲	۲	۵
۱۰. پیچیدگی، ابهام و نامتناسب بودن قوانین، عامل پرداخت و دریافت رشوه در نظام پیچیده اداری است.	۵۰	۳/۸۴	۱/۰۹۵	۱	۵
۱۱. ضعف نظارتی در شکل‌گیری فساد اقتصادی مؤثر است.	۵۰	۴/۵۴	۰/۶۴۶	۲	۵
۱۲. عدم شفافیت در گزارش فعالیت بانک‌ها و دیگر نهادهای مالی به صورت منظم و ادواری باعث بروز فساد اقتصادی است.	۵۰	۴/۲۲	۰/۶۷۹	۲	۵
۱۳. عدم شفاف‌سازی دارایی‌ها و اموال مسئولان کشور و مدیران دولتی قبل و بعد از تصدی مسئولیت در بروز فساد اقتصادی مؤثر است.	۵۰	۴/۱۶	۰/۷۹۲	۲	۵
۱۴. عدم آگاهی مردم نسبت به اموال و دارایی مسئولان و مدیران دولتی قبل و بعد از تصدی مسئولیت عامل فساد اقتصادی است.	۵۰	۳/۷۸	۱/۰۱۶	۲	۵
۱۵. سبک بودن مجازات افرادی که از بیت‌المال سوء استفاده کرده‌اند از عوامل فساد اقتصادی است.	۵۰	۴/۱۴	۰/۹۰۴	۲	۵
۱۶. اطلاع دادرسی و مشمول مرور زمان شدن رسیدگی به پرونده‌های فساد اقتصادی در قوه قضائیه از عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری فسادهای اقتصادی است.	۵۰	۴/۳۰	۰/۷۰۷	۲	۵
۱۷. نظارت ضعیف مجلس شورای اسلامی بر دستگاه‌های حکومتی باعث فساد اقتصادی می‌شود.	۵۰	۴/۰۸	۰/۸۷۷	۲	۵
۱۸. ملاحظه‌کاری و عدم برخورد قاطع با برخی مفساد اقتصادی دولتمردان از سوی قوه قضائیه موجبات گسترش فساد اقتصادی است.	۵۰	۴/۴۸	۰/۶۷۷	۲	۵
۱۹. فساد اقتصادی ناشی از فساد اداری در کشور است.	۵۰	۴/۱۰	۰/۸۶۳	۲	۵
۲۰. حساسیت مسئولان نسبت به فساد اقتصادی در نظام جمهوری اسلامی ایران کاسته شده که این امر موجب افزایش فساد اقتصادی می‌شود.	۵۰	۳/۹۶	۰/۹۶۸	۱	۵
۲۱. ریشه‌کن کردن فساد اقتصادی جزء دغدغه‌ها و اولویت‌های قوه مقننه است.	۵۰	۲/۲۴	۰/۷۴۴	۱	۵
۲۲. قوه قضائیه در برخورد با مفساد اقتصادی فعال است.	۵۰	۲/۲۰	۰/۹۹۰	۱	۵
۲۳. نهادهای نظارتی خود به نوعی آلوده و درگیر فساد اقتصادی و مالی شده‌اند.	۵۰	۳/۹۶	۱/۷۸۱	۲	۵

گویه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف آماری	حداقل	حداکثر
۲۴. دولت (قوه مجریه) نسبت به فساد اقتصادی و مالی اطرافیان اعضای کابینه واکنشی متناسب با جرم را از خود نشان می‌دهد.	۵۰	۲/۴۸	۱/۱۴۷	۱	۵
۲۵. حکومت عزم جدی و همه‌جانبه‌ای برای مقابله با فساد اقتصادی دارد.	۵۰	۲/۴۸	۱/۰۷۴	۱	۵
۲۶. تعلل در رسیدگی قاطع به پرونده‌های فساد اقتصادی اشخاص منتسب به حاکمیت، انگیزه افراد را برای ارتکاب فساد بیشتر، افزایش می‌دهد.	۵۰	۴/۲۲	۰/۸۴۰	۱	۵
۲۷. انفعال مردم در برابر فساد اقتصادی عامل گسترش روزافزون فساد است.	۵۰	۳/۵۴	۱/۱۲۹	۱	۵
۲۸. عدم حساسیت جامعه نسبت به فساد اقتصادی، از مهمترین عوامل گسترش فساد است.	۵۰	۳/۲۸	۱/۲۷۸	۱	۵
۲۹. اراده سیاسی قانونگذاران برای مبارزه با فساد اقتصادی ضعیف است.	۵۰	۳/۹۸	۰/۸۶۹	۱	۵
۳۰. خلأهای قانونی زمینه را برای سوءاستفاده از قانون و فساد مهیا کرده است.	۵۰	۳/۹۲	۰/۹۰۰	۲	۵
۳۱. ابهام در قانون زمینه‌ساز شکل‌گیری مفاسد اقتصادی است.	۵۰	۳/۸۲	۰/۹۶۲	۱	۵
۳۲. عدم ایفای نقش مستقل و آزادانه مطبوعات در فاش کردن به موقع فساد از عوامل گسترش فساد اقتصادی است.	۵۰	۴/۲۲	۰/۹۱۰	۲	۵
۳۳. در جریان رسیدگی به پرونده‌های فساد اقتصادی کلان، شفاف‌سازی انجام می‌شود.	۵۰	۲/۰۸	۰/۸۲۹	۱	۵
۳۴. مطبوعات و رسانه‌ها نقش مؤثری در راستای مبارزه با فساد اقتصادی در کشورمان دارند.	۵۰	۳/۶۲	۱/۱۹۳	۱	۵
۳۵. روحیه رانت‌جویی و کسب درآمدهای کلان و آسان، از عوامل گسترش دامنه فساد اقتصادی است.	۵۰	۴/۳۲	۰/۷۱۳	۲	۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

با توجه به جدول فوق، علت‌هایی که بیشترین مقدار انحراف استاندارد را دارا بودند، یک به یک حذف شدند تا ضریب توافق ۵۰ درصدی حاصل شود. در مجموع از ۳۵ علت، ۲۲ علت حذف شد و سیزده علت که خبرگان توافق مناسبی در خصوص آن داشتند، پذیرفته شد. در جدول زیر نتایج دبلیو کندال برای سیزده علت اقتصادی سیاسی فساد نشان داده شده است.

جدول ۲. مهمترین علت‌های اقتصاد سیاسی فساد

رتبه متوسط	گویه‌ها
۱/۶۹	۱. نظام اداری کشور از شفافیت لازم برخوردار است.
۹/۲۱	۲. عدم شفافیت نظام اداری در شکل‌گیری مفساد اقتصادی کلان مؤثر است.
۸/۷۹	۳. عدم شفافیت اقتصادی، نظیر عدم شفافیت در گردش پول و کالا، از عوامل مهم فساد اقتصادی است.
۷/۲۹	۴. نظام اداری عریض و طویل و پیچیده از اصلی‌ترین عوامل فساد اقتصادی سازمان یافته است.
۷/۹۴	۵. مداخله دستگاه‌های دولتی (حاکمیتی) در اقتصاد ایران فوق‌العاده زیاد است و بخش قابل ملاحظه‌ای از فساد اقتصادی ناشی از مداخله این دستگاه‌ها در اقتصاد است.
۶/۷۶	۶. به دلیل مداخله دستگاه‌های حاکمیتی در اقتصاد، دایره فساد اقتصادی در ایران خیلی وسیع است.
۸/۵۲	۷. مفساد اقتصادی عامل افزایش شکاف طبقاتی در جامعه است.
۸/۵۳	۸. ضعف نظارتی در شکل‌گیری فساد اقتصادی مؤثر است.
۷/۵۱	۹. عدم شفافیت در گزارش فعالیت بانک‌ها و دیگر نهادهای مالی به صورت منظم و ادواری باعث بروز فساد اقتصادی است.
۷/۵۲	۱۰. اطاله دادرسی و مشمول مرور زمان شدن رسیدگی به پرونده‌های فساد اقتصادی در قوه قضائیه از عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری فسادهای اقتصادی است.
۱/۹۹	۱۱. ریشه‌کن کردن فساد اقتصادی جزء دغدغه‌ها و اولویت‌های قوه مقننه است.
۷/۴۶	۱۲. روحیه رانت‌جویی و کسب درآمدهای کلان و آسان، از عوامل گسترش دامنه فساد اقتصادی است.
۸/۲۹	۱۳. ملاحظه‌کاری و عدم برخورد قاطع با برخی مفساد اقتصادی دولتمردان از سوی قوه قضائیه موجبات گسترش فساد اقتصادی است.

مأخذ: همان.

با توجه به جدول فوق خبرگان در خصوص سیزده علت گفته شده برای اقتصاد سیاسی فساد توافق دارند. رتبه‌های میانگین نشان می‌دهد که علت شماره ۲ یعنی عدم شفافیت نظام اداری مؤثرترین علت برای فساد بوده و علت شماره ۳ یعنی عدم شفافیت اقتصادی، نظیر عدم شفافیت در گردش پول و کالا در رتبه بعدی قرار دارد. میزان اهمیت هر یک از علل فساد در نمودار زیر نشان داده شده است.

نمودار ۲. میزان اهمیت هریک از علل فساد



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

گفتنی است که پرسش‌شوندگان از یک سو بیشترین نمره را (بیشترین جواب مثبت) به پرسش عدم شفافیت اداری داده و از سوی دیگر کمترین نمره و یا بیشترین جواب منفی را به شفافیت در نظام اداری کشور ارائه داده‌اند. بنابراین وضعیت شفافیت اداری متغیر مؤثر و تعیین‌کننده در علل بروز فساد است. پرسش‌شوندگان در خصوص عدم شفافیت اداری بیشترین اجماع را داشته و اکثریت قاطع آنها بر این اعتقاد بودند که نظام اداری کشور شفافیت لازم را ندارد.

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله ابتدا به لحاظ مفهومی و نظری ابتدا رویکرد اقتصاد سیاسی فساد تبیین شد و سپس در چارچوب این رویکرد، دیدگاه‌های نخبگان علمی - پژوهشی و همچنین نخبگان تقنینی، کارشناسان قضایی و بازرسی در خصوص مهمترین علل فساد در جمهوری

اسلامی ایران مورد ارزیابی قرار گرفت. از منظر مبانی مفهومی و نظری رهیافت اقتصاد سیاسی، یافته‌ها حاکی از آن است که زمینه و شرایط مناسبی برای پدیداری و رشد فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. به این معنا که علل ساختاری، نهادی و کارگزاری فساد با یک ارتباط درونی منسجم هم‌افزا، که منجر به شکل‌گیری و تداوم فساد اقتصادی در ایران می‌شود، وجود دارد. برمبنای تجربه چند دهه گذشته نتیجه مهمی که می‌توان گرفت این است که هرگونه اقدامات صرفاً پسینی برای مبارزه با فساد راهکار مناسبی برای این معضل تهدید امنیتی - حاکمیتی نخواهد بود چرا که برخورد و مبارزه با معلول فساد یعنی مصادیق فساد اقتصادی که بروز و ظهور یافته از مجموعه علل و عوامل سیاسی، اقتصادی، به‌ویژه عدم شفافیت در نظام اداری و نظام اقتصادی کشور (نبود جریان آزاد اطلاعات در مراکز تصمیم‌گیری و اجرایی)، اقتصاد سیاسی رانتی و دولت رانتیر، مانع از گسترش دامنه فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران نخواهد شد، چون محیط و ساختار مناسب برای شکل‌گیری فساد وجود دارد و هم‌زمان با برخورد با یکی از مصادیق فساد اقتصادی که کشف یا آشکار شده است، مفاصد اقتصادی دیگری در حال به وقوع پیوستن است. همچنین یافته‌های بخش پیمایشی تحقیق بیانگر آن است که هر سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه در مبارزه با فساد؛ نقص‌ها و کاستی‌هایی داشتند و نمی‌توان در امر مبارزه با فساد اقتصادی، مسئولیت را متوجه یک قوه کرد بلکه بایستی نقش و عملکرد هر سه قوه را در کنار هم دید و ارزیابی کرد. در واقع چنانکه شکل‌گیری فساد به تنهایی نشئت گرفته از نهاد و سازمان منفکی نیست، مبارزه با آن هماهنگی بخش‌های مختلف سیاسی، تقنینی، اجرایی، قضایی، نظارتی و حتی فرهنگی جامعه را می‌طلبد و تا این واقعیت در مبارزه با فساد دیده نشود؛ با یکسری از اقدامات قضایی (اقدامات پسینی) نمی‌توان پاسخگوی این معضل تهدید امنیتی خزنده نظام جمهوری اسلامی ایران شد. آنچه این برداشت و استدلال را تقویت می‌کند به وضوح در نظرهای خبرگان قابل مشاهده است. با احصا و استنتاج از نظرات خبرگی بنیادی‌ترین مؤلفه شکل‌گیری فساد در جمهوری اسلامی ایران، نوع اقتصاد سیاسی حاکم بر آن است که از مهمترین معرف‌های آن می‌توان به نبود شفافیت‌های اداری و اقتصادی نظیر عدم شفافیت در گردش پول و کالا، عدم

شفافیت در گزارش فعالیت بانک‌ها و دیگر نهادهای مالی، نظام اداری عریض و طویل و پیچیده، مداخله دستگاه‌های دولتی (حاکمیتی) در اقتصاد، ضعف نظارتی و از سوی دیگر اطلاع دادرسی و مشمول مرور زمان شدن رسیدگی به پرونده‌های قضایی، ملاحظه‌کاری و عدم برخورد قاطع با برخی از مفاسد اقتصادی دولتمردان، عدم اولویت و دغدغه مبارزه با فساد در قوه مقننه به همراه رشد روحیه رانت‌جویی در فعالیت‌های اقتصادی اشاره کرد که هر یک از این عوامل به صورت هم‌افزا از عوامل به وجودآورنده فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران هستند. اما با توجه به نظرات خبرگی اصلی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین معرف علل بروز فساد در جمهوری اسلامی ایران عدم شفافیت در نظام اداری و اقتصادی است که پرسش‌شوندگان درخصوص عدم شفافیت اداری و اقتصادی بیشترین اجماع را دارند و اکثریت قاطع آنها بر این اعتقادند که نظام اداری و اقتصادی کشور از شفافیت لازم برخوردار نیست.



منابع و مآخذ

۱. ابراهیم آبادی، غلام‌رضا و علی مرشدی‌زاد (۱۳۸۳). «تأملی چندجانبه در مقوله فساد»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش دفتر مطالعات سیاسی.
۲. استفه‌ارست، جانستون، ریک پلیزو و ریکاردو نیل (۱۳۹۴). نقش پارلمان در مبارزه با فساد، مترجم رضا وفایی یگانه و مریم آقانسیری، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۳. پارچه‌فروش، رضا (۱۳۹۲). «رانت‌پریشی و تأثیر آن بر روابط دولت و ملت در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.
۴. جمالی اسگویی، سیدجمال، (۱۳۹۷). «تأثیر فساد اقتصادی سیستمی بر مشروعیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۵. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۹). فساد/داری؛ زمینه‌ها و راهبردها، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۶. دادگر، حسن و غلامعلی معصومی‌نیا (۱۳۸۳). فساد مالی، تهران، کانون اندیشه جوان.
۷. دوگراف، خیال (۱۳۹۴). چشم‌اندازهای نظری فساد، مترجم هانیه هژبرالساداتی، تهران، انتشارات آگاه.
۸. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۷). «بازشناسی مؤلفه‌های مؤثر بر اختلاس در ایران»، مجلس و پژوهش، ش ۲۵.
۹. راغفر، حسین (۱۳۸۷). «اقتصاد سیاسی فساد»، مجلس و پژوهش، سال ۱۴، ش ۵۸.
۱۰. سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۹۵). «ریشه‌های ساختاری فساد اقتصادی ایران در سال‌های اخیر»، فصلنامه مطالعات اقتصادی سیاسی بین‌الملل، سال ۱، ش ۱.
۱۱. طاهری، ابولقاسم (۱۳۸۵). «رانت‌جویی سیاسی و پیامدهای آن»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال ۳، ش ۴۰.
۱۲. طبیبیان، محمد (۱۳۷۱). رانت اقتصادی به‌عنوان مانع اقتصادی، تهران، برنامه و توسعه.
۱۳. کی‌جین، آرویند (۱۳۸۶). اقتصاد سیاسی فساد، مترجم علی بختیاری‌زاده، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۴. گرونوبین، پیتر (۱۳۷۷). «اقتصاد سیاسی و علم اقتصاد»، ترجمه علی دینی‌ترکمانی و محمد مالجو، فصلنامه سیاسی اقتصادی، ش ۱۳۷ و ۱۳۸.
۱۵. مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد (۱۳۸۲). فساد مالی و اقتصادی (ریشه‌ها، پیامدها، پیشگیری و مقابله)، تهران.

۱۶. مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد (۱۳۸۸). مطالعه تجربه کشورها برای مبارزه با فساد اقتصادی (یک مطالعه مقایسه‌ای)، مترجم حمیدرضا درخشان، تهران.
۱۷. همدی خطبه‌سرا، ابوالفضل (۱۳۸۷). فساد مالی علل، زمینه‌ها و راهبردهای مبارزه با آن، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۸. هیوود، پل (۱۳۸۱). فساد سیاسی، مترجم محمد طاهری و میرقاسم بنی‌هاشمی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
19. Annuldsen, Lnge (2000). Corruption: Definitions and Concepts, Chr. Michelseninstitute Development Studies and Human Rights.
20. Degraaf, Maravic, Gjalt Wagenaar and Pieter Patrick Von (2010). The Good Cause: Theoretical Perspectives on Corruption, Barbara Budrich Puplichers.
21. Jain, Arvind K. (2005). The Political Economy of Cruption, Routledge Press.
22. Rose-Akerman, Susan (1999). Corrupion and Government: Caues, Consequences, and Reform, Cambrige Unevercity Press.